

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture No. 04, 2017, pp39-48	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 04 سالنامه 2017 میلادی، صص 39-48
---	--

Zakia Behrouz: contemporary Persian poetess of Pakistan

***Shagufta Yaseen Abbasi**

Abstract:

Persian language has always been a part of syllabus in colleges and universities from the beginning of Pakistan's establishment. That is why not only poets but most of the poetesses also used Persian language for expressing their views and sentiments. In this way a numerous of female poets of Pakistan have contributed to the promotion of Persian language through their poetic works.

Zakia Behroz is one of these Persian poetesses of Pakistan. She belongs to the Hazara tribe in Baluchistan. Zakia Behroz has written a Persian dewan titled "Hanooz Der Safari" consisting 136 pages. The language of Zakieh Behrouz's poetry is very fascinating, intuitive, and simple. She uses similes and metaphors in her poetry in a beautiful manner. In this article various aspects of Zakia's poetry such as theme, style and topics etc would be discussed.

Key words: subcontinent, contemporary Persian poetry, Zakia Behrouz.

ذکیه بهروز: شاعرۀ معاصر فارسی گوی پاکستان

*شگفته یاسین عباسی

چکیده

بعد از تجزیۀ شبه قاره به دو کشور پاکستان و هند ، فارسی در سطح دانشکده و دانشگاه ها رایج بوده است و ناگفته نماند که قبلاً در دبیرستان نیز فارسی به عنوان درس اختیاری تدریس می شد. در نتیجه نه فقط پسران بلکه دختران نیز از شیرینی این زبان بی بهره نماندند. همین امر باعث شد که برای ابراز احساسات و عواطف اعم از مردان ، زنان نیز زبان فارسی را انتخاب نمودند. ذکیه بهروز یکی از سخن سرایان فارسی گوی پاکستان است و از قبیله هزاره تعلق داشته است. ذکیه دارای یک دیوان فارسی به عنوان «هنوز در سفری» می باشد که بالغ بر 136 صفحه است. از بررسی دیوان ذکیه بهروز آشکار می شود که زبان شعرش بسیار جالب، پرسوز، روان و عام فهم است و از لحاظ تشبیهات و استعارات از یک استعداد قابل ملاحظه برخوردار است. درین مقاله راجع به شعر معاصر فارسی در پاکستان و موضوعات مختلف شعر این بانوی فارسی گوی پاکستان پرداخته شده است .

کلید واژه ها: شبه قاره ، شعر معاصر فارسی ، زن فارسی گو ، وطن پرستی ، هدف زیست

درین شکی نیست در نتیجه هرج و مرج که به موقع تجزیه شدن شبه قاره به دو کشور پاکستان و هند رخ داده بود، لطمه شدیدی به زبان فارسی رسید ولی باز هم مفتخر هستیم که فارسی از اوایل تاسیس پاکستان در سطح دانشکده و دانشگاه ها رایج بوده است بلکه قبلاً در دبیرستان نیز فارسی به عنوان درس اختیاری تدریس می شد. به همین علت نه فقط پسران بلکه دختران نیز برای ابراز احساسات و عواطف همین زبان شیرین را انتخاب نمودند.

سرزمین بلوچستان یکی از چهار ایالت پاکستان می باشد و بزرگترین ایالت از لحاظ مساحت به شمار می رود. ناحیه ای به اسم خضدار (قزدار) نیز در همین ایالت وجود دارد که وطن رابعه قزداري اولین شاعره فارسی سرایی می باشد که سروده هایش بعد از صدها سال از همان تازگی برخوردار است. ناگفته نماند که خاک بلوچستان باوجود تمام تهاجم فرهنگی علیه زبان فارسی یک فهرست طولانی از رابعه گرفته تا به ناطق مکرانی، ملاحسن براهوی و عبدالعلی اخوند زاده را دارد که سروده های فارسی ایشان نشانگر فارسی دوستی و صمیمیت شان به این زبان می باشد.

ذکیه بهروز، دومین زن فارسی سرای بلوچستان و صاحب دیوان فارسی است یعنی گامی را که رابعه قزداري پیش از هزار سال برداشته بود ذکیه بهروز آن را ادامه داده است.

شرح احوال مختصر ذکیه بهروز

ذکیه بهروز از قبیله هزاره که یکی از معروف ترین قبایل بلوچستان است، تعلق داشته است. ذکیه بهروز سال 1962م در کوئته (پایتخت بلوچستان پاکستان) چشم به جهان گشود. شاعره مذبور مدرک لیسانس را از دانشکده دولتی دخترانه، کوئته بدست آورد.

طبع شعر :

تخلص این شاعره مذبور ذکی است ولی ذکیه راجع به طبع شعر می گوید که خودم درست نمی دانم که من کی شعر گفتن را آغاز نمودم ولی از زمان دیپلم ذکیه در شعرش از

موضوعات متفاوت استفاده می کند، یعنی یک طرف به عنوان یک زن جامعه ای که قدغن های را برای زن قایل است ولی از طرف دیگر برای بانوان و توانایی آنها صدای آزادی بلند می کند. او هم بر عشق زمینی ایمان دارد و هم عشق آسمانی را در دل می پروراند که از خانواده فاطمه الزهراء شروع می شود و تا خدا می رسد. می گوید :

بر سرم آمد بلاهای بمن یاری کنید
یا علی مشکل کشا، شیر خدا، دلدل سوار
ورد اسم مرتضی در زیست گریه هم کن
غم بردن آید ز قلبت گرچه باشی دلفگار

"شعر فارسی ذکی عنوانات زیادی را در خود گنجانیده است. مثل عشق به وطن به شهداء و به جوانان وطن و به ابدیت مثل یک شخص عمر رسیده که دانشمندانه و سنجیده تر فکر می کند. اگرچه هنوز لحاظ سنی سفری را در پیش دارد که طولانی باید بود. ولی از ابیاتش به نتیجه می رسیم که او قبل از بزرگی سنی به بزرگی عقل رسیده است. در اشعارش غزلهایی را می بینم که بسیار روان و پر از معنی و مفاهیم است." (بهروز، 2008، ص 13)

آثار: اولین مجموعه شعر به زبان اردو و به عنوان دریچه گل در سال 2005م به چاپ رسید. در حالی که دیوان شعری ذکیه به زبان فارسی به عنوان «هنوز در سفری» در 2008م توسط فکشن هاؤس، لاهور به چاپ رسید. این دیوان بالغ بر 136 صفحه و دارای حمد، نعت، غزل و قطعات شعری می باشد.

ذکی دیوان را با این شعر زیر آغاز می نماید:

شدی تو خسته و لیکن ذکی درنگ مکن
به منزلت نرسیدی، هنوز در سفری

(حاجی یعقوب علی انیس) راجع به سخن سرای فارسی زکیه چنین می نویسد :

«خانم ذکیه بهروز بسیار جالب، پرسوز، روان و عام فهم و از لحاظ تشبیهات و استعارات از یک استعداد قابل ملاحظه برخوردار است. مذکور نژاد قبیله هزاره می باشد که نه فقط قبیله خود بلکه در ریاست بلوچستان پاکستان بعد از رابعه خضداری یگانه دختری است که کلام

شان به فارسی چاپ می شود و این بزرگ ترین اعزاز است که موصوف از آن برخوردار گردیده" (درانی، 2010، ص206).

تا نبخشد خدائی بخشنده

این سعادت به زور بازو نیست

ذکیه سخن خود را با حمد و ثنای خدای بزرگ و یگانه آغاز کرده می گوید :

پوشنده عیوب ها، پیوسته ی نهان من
یقین ذات من توی، خدای مهربان من
شراب عشق خالقم و جام لطف جان من

قریب تر ز هر نفس، عزیز تر ز جان من
بجز تو کس نه مونسم نه همدم و نه مهربان
می میخورم، ز باده وصال عشق لم یزل

(بهروز، 2008: 15)

به همین ترتیب محبت و ارادت خود را نسبت به پیامبر اکرم (ص) ابراز می نماید و می گوید:

گل حروف به اوصاف منتهی برسد
به اذن شرف غلامی مصطفی برسد

چو موج گل سخن قلب با صفا برسد
دل و جگر چو گل و لاله پیشت آوردم

(همان، ص 19)

منقبت حضرت علی را به شکل اشعاری زیبا و عاشقانه با لحن و بیان شیرین به گوشهای حق شناسان می رساند و می گوید:

باطل از دستت فنا شد ، حق نمودی آشکار

لافتی الاعلی لاسیف الا ذوالفقار

به مشکل کشایی حضرت علی اشاره ایمان آورده اشاره می کند :

یا علی شیرخدا، مشکل کشا ،دلدل سوار

برسرم آمد بلاهای به من یاری کنید

روز محشر کن شفاعت پیش رب کردگار

ساقی کوثر علی ، شافع و دربان بهشت

غم برون آید ز قلب گرچه باشی دلفگار

ورد اسم مرتضی در زیست گر پیهم کنی

(همان، ص104-105)

همچنین که بالا هم آوردیم که ذکیه در شعر هایش موضوعات متنوع را جا داده است از جمله عشق حقیقی که از همه بیشتر به آن در منظومه های مختلف پرداخته است و گاه بی ثباتی دنیا را

در ميان مي گذارد و گاهي مانند اقبال به جوانان درس کار و کوشش و جستجو را مي دهد و گاهي مانند سعدي توسط شعر پند و نصيحت را درميان مي آورد.

عشق حقيقي :

ز باغ عشق شبنمي چشيده قلب زار من چو قطره اي رسم به تو ، اي بحر بيکران من
مي مي خورم ز باده وصال عشق لم يزل شراب عشق خالقم و جام لطف جان من

(همان ، ص 16)

جاي ديگر مي گويد :

براي حق بايست و عشق معبودات مجسم کن مرا سوگند ، دو عالم به پيشت سر نگون گردد

(همان ، ص 25)

گاهي ارزش عشق حقيقي خود را به گونه اي عرضه مي کند :

گنج قارون گر دهد و الله به من من نخواهم داد اين پيمانه ام
من که بودم در جهان ديوانه اي ساخت عشقت عاقل و فرزانه ام

(همانجا: 34)

مي توان گفت که عشق حقيقي در لا بلای تمام منظومه هاي ذکيه به چشم مي خورد .
در منظومه اي به نام «آگهي ذات» سعدي وار نصيحت کرده مي گويد :

وجدان را آويختن آسان نيست با جاهلان آميختن آسان نيست
خنده اي بي معرفت آسان بود اشک خونين ريختن آسان نيست

(همانجا، ص 30)

ذکيه در شعرهاي خودش توجه خوانندگان به طرف حديث پيامبر (ص) جلب مي کند و نيز سعدي وار آنان را به طرف علم و عمل وا مي دارد .
حديث پيامبر (ص): علم حاصل کرنا هر مسلمان مرد و عورت پر فرض هے-
ترجمه: آموختن علم براي مرد و زن لازم است.
سعدي مي گويد: عامل بي عمل مانند زنبور بي عسل است.

(گلستان سعدي : 246)

ذکیه می گوید:

بود علم و عمل مقصود و لازم بهر هر انسان نه فرقی هیچ باید در میان مرد و زن باشد

(هنوز در

سفری:ص 26)

گاه گاهی مانند اقبال خطاب به نوجوانان کرده به طرف وحدت و یگانگی راهنمایی

می کند و می گوید که سربلندی ملک و ملت در وحدت مسلمانان پنهان است :

اقبال می گوید:

فرد را ربط جماعت رحمت است جوهر او را کمال از ملت است

فرد می گیرد ز ملت احترام ملت از افراد می یابد نظام

هر که آب از زمزم ملت نخورد شعله های نغمه در عودش فسرده

پا به گل مانند شمشادش کند دست و پا بندد که آزادش کند

(کلیات اقبال ،

صص 58-59)

ذکیه می گوید:

مسلمانان ملت دست باید داد در دستی چو باشیم متحد، کی فرق بین تو و من باشد

نه بیند هیچگاه آن ملک دولت سربلندی را اگر جذب جهاد و حب ملت مرتهن باشد

(هنوز در

سفری:27)

نادان اگر نخواهی پایدگی ملت نا پائیدار ذاتت پاینده کی بماند

پیوسته ای شجر باش با خاک ریشه هایت چون ریشه از زمین اش برکنده کی بماند

(همانجا : 55)

در منظومه ذکيه مي بينيم که شاعره نامبرده چشم بينا را نيز براي معرفت الهی لازم مي داند و مي گويد که تا زمانی که ما چشم باطن خود را باز نکنيم جلوه های پنهان خدا را نمی توانيم ببينيم:

از نور معرفت ده، بينانی چشم دل را چون قلب کور، چشم اش بيننده کی بماند

(همانجا: 56)

به جای ديگر مي گويد:

باز کن چشمت ذکی نور جمال يار بين از پی وصل عزيز و مهربايد برفت

(همانجا: 130)

شاعره مذکور در ديوانش منظومه به نام « هدف زیست » داشته است که انسان را در اين منظومه مجبور مي سازد که برای زندگی کردن تعيين هدف زیست خیلی لازم است :

از برای خستگی در ره شجر بايد بود ميشود تنها روی ليک راهبر بايد بود
با تغافل ميتواند بگذرد عمرت ولی مقصد اين زندگی مدنظر بايد بود
زندگی دشوار گردد، گر بترسی از خطر گرز دنیا حق بگیری، بی جگر بايد بود

(همانجا : 100)

بعد از تعيين هدف مانند سالمندان به خواننده نصيحت می کند و می گويد که زندگانی را غنیمت شمرده ازین زندگی چند روزه بايد استفاده کرد و نيز تاکيد می کند که شايسته نيست که فرصت اين نعمت بزرگ را از دست بدهيم :

زيان کردی اگر يك لحظه ات را بديگر لحظه ای رو کن به جستن
همان عاقل همان دانا ترين است بدانند خاموشي خوشتر ز گفتن

قدم ز این ذکی بر خیز از جا
نه حل مشکلات باشد گریستن
(هنوز در سفری
ص40)

در اشعار زیر ذکی مثل شاعران کلاسیکی توجه خواننده را به طرف توکل به خدا مبذول می کند:

به چه حیل بهفهمانم من بی چاره این دل را
چگونه حل کنم ای کارساز این کار مشکل را
چرا در فکر می باشی، چه سود و چه زیان باشد
توکل بر خدایت کن، بگیر دامن کامل را

(همانجا: 38)

ذکیه در منظومه زیر نیز خواننده را از طریق پند و نصیحت می فهماند که در برابر گردش آسمان نباید گریه و زاری کرد بلکه در هر کاری مصلحت خدا پنهان است:

به صبر کوش تو ای دل چرا پریشانی
ز جور و گردش دوران چگونه نالانی
به پیش یار دلا، چون گهر شدی نایاب
به روزگار جهان گرچه خیلی ارزانی
چو رایگان نشود لحظه ات در این گیتی
به گل صبا برسان و به درد درمانی
ذکی ز جور فلک هیچ گاه شکوه مکن
چو کار اوست تو بهتر از او نمی دانی

(هنوز در سفری، ص 65-66)

در منظومه «جهان فانی» حقیقت این جهان را بیان می کند و به خواننده پیامی می دهد که این سرای دنیا را نباید جای پایدار و همیشگی دانست:

هر که تکیه بر جهان کرد، در بدر بر خاست
ساقیا، خشکیده لب با چشم تر برخاست
این جهان دار الفنا، کی به منزل می رسد
در سفر ماند از دیارش نامه بر برخاست
زین جهان رفتن اگرچه کار معمول است
حیف باشد گر بگویند، بی هنر برخاست
شد سبک بارت ذکی ساکت چو شد قلبت
در امان یار رفت و از خطر برخاست

(همانجا: 44-)

(45)

در دیوان ذکیه منظومه ای به نام «وظیفه ها» وجود دارد که درین منظومه شاعره توجه انسان را به طرف هدف تخلیق خود مبذول کرده به نحو احسن یاد آوری وظیفه های انسان می پردازد:

مهر و عشق آسمانی کارتوست	راه حق را پاسبانی کار توست
در مقابل خواه صد طوفان بود	کشتی ات را بادبانی کار توست
شد چو رمز زیست بر تو منکشف	پس دگر اسرار دانی کارتوست

(همانجا: 62-63)

مختصر این که از بررسی دیوان شاعره مذکور پی می بریم که ذکیه در سخن پردازی از شاعران کلاسیک مانند سعدی و حافظ تاثیر گرفته یا در تتبع اقبال سخن گفته به همین خاطر دیوانش پر از مطالب گوناگون می باشد که همه آنها را نمی توان درین مقاله گنجانید.

نتیجه گیری :

در لابه لای دیوان ذکیه مطالب مختلف به چشم می خورند از قبیل میهن ما ، باز گشت حیات ، دعای زیر لب ، شفاعت مکالمه بین انسان و دنیا ، آرزو ، اسرار عشق و امثال اینها و تمام مضامین پر از مطالب اخلاقی و عرفانی می باشند. شاعره گاهی مانند سعدی به خوانندگان پند و نصیحت می کند و گاهی مثل مولانا و حافظ به موضوعات عرفانی و اخلاقی می پردازد. گاهی ارزش زندگی را به خوانندگان عرضه می کند و گاهی درس توکل به خدا می دهد. مختصر این که شاعره مذکور درین دیوان به جای این که موضوعات عادی مانند گل و بلبل و معشوق و غیره می پرداخت سعی نموده است که توسط شعر خوانندگان را درس اخلاقی بدهد و حقیقت زندگی چند روزه را بیان کند.

منابع و مآخذ

لاہوری ، محمد اقبال (1376ش) کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاہوری ، احمد سروش ، تہران ، سنائی.

بہروز، ذکیہ (2008م) ، ہنوز در سفری، لاہور، فکشن ہاؤس

شیرازی ، سعدی (1345ش) گلستان سعدی ، سعید نفیسی ، بہ کوشش ، تہران کتابفروشی فروغی.

درانی ، عصمت (2010م) «ذکیہ بہروز ، بلوچستان مین فارسی کی دوسری شاعرہ» پیغام آشنا ، اسلام آباد ، مجلہ رایزنی فرهنگی سفارت ج. ا. ایران.